

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۷ جنوری ۲۰۲۲

ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

شیوه تولید

انسان برای زیستن به خوراک، لباس، مسکن، سوخت و غیره نیازمند است و برای تحصیل این لوازم ضروری باید آنها را تولید کند. تولید، آن عاملی است که انسان را از حیوان متمایز می سازد. زندگی حیوانات در گرو محیط پیرامون آنها است، در گرو وسائلی است که طبیعت در اختیار آنها می گذارد. انسان، به عکس، به آنچه که طبیعت می دهد قناعت نمی ورزد و خود به تولید مایحتاج خویش می پردازد. تولید لوازم زندگی مستلزم ابزار تولید است که باید آنها را ساخت و به کار بردن آنها را دانست.

انسان پیش از آن که به ساختن ابزار تولید، حتی بدوی ترین آنها توفیق یابد، هنوز در زمره حیوانات به شمار می آمد و مانند آنها مقهور طبیعت بود. اما همین که به ابزار هائی ولو ساده برای شکار حیوانات و چیدن میوه ها دست یافت، از دنیای حیوانی به دنیای جامعه انسانی گام گذارد. از اینرو است که انسان را حیوان سازنده ابزار گفته اند و آنچه که از انسان، انسان می سازد همین ساختن ابزار تولید است. انسان به کمک ابزار تولید با طبیعت به مبارزه بر می خیزد، طبیعت را بنابر نیازمندیهای خویش تغییر می دهد و اشیاء و محصولات پدید می آورد که در محیط پیرامون به صورت آماده وجود ندارند.

افزار تولید به خودی خود اجسامی هستند بیجان که چنانچه به کار نیفتند فایده ای نمی رسانند و چه بسا تحت شرایط جوی بتدریج رو به انهدام می روند. برای به کار انداختن ابزار تولید، کار و نیروی زنده لازم است. از اینرو انسان که ابزار تولید را به کار می اندازد نیروی تولیدی اساسی و تعیین کننده است.

"نخستین نیروی مولد تمام بشریت، کارگر است، زحمتکش است". (لنین)

مجموعه وسائل تولید و قبل از همه ابزار تولید به اضافه انسان ها که با کسب مهارت و تجربه این وسائل را به کار می اندازند و مایحتاج زندگی را تولید می کنند نیروهای مولد نامیده می شوند.

خصلت و محتوای نیروهای مولد از دورانی به دوران دیگر تغییر می پذیرد. اگر در دوران اشتراکی اولیه، ابزار تولید عبارت بودند از ابزار های سنگی، چوب دستی، تیرو کمان و... وسائل تولید امروز شامل کارخانه های عظیم، معادن، وسائل حمل و نقل و غیره است.

در تولید نعم مادی، نیروهای مولد فقط یک طرف موضوع را تشکیل می دهند که در واقع مبین رابطه انسان با اشیاء و نیروهای طبیعت است. در جریان تولید، در مبارزه با طبیعت به خاطر تحصیل لوازم زندگی، فعالیت انسان انفرادی

نیست، اجتماعی و اشتراکی است. در جریان این فعالیت، میان انسانها روابطی برقرار می شود و فقط از طریق این روابط اجتماعی است که تولید صورت می گیرد. روابطی را که در جریان تولید میان انسانها پدید می آید و دارای خصلت عینی است روابط تولید می نامند.

از همان بدوی ترین مراحل تاریخ بشر این روابط میان انسانها برقرار می گردد. روابط انسانها در جریان تولید، همان کوشش مشترک آنها با ابزارهای بسیار بدوی، به خاطر تهیه مایحتاج زندگی است و توزیع آنچه که در نتیجه کوشش مشترک به دست آمده است. پس از آن که بر اثر رشد نیروهای مولد در جامعه تقسیم کار پدید آمد مثلاً کشاورزی از گله داری جدا شد و این هر دو از پیشه وری فاصله گرفتند و در درون پیشه وری شعب گوناگونی به وجود آمد، وابستگی انسانها و گروه های انسانی نسبت به یک دیگر فزونی گرفت و هر اندازه تقسیم کار جلوتر رفت وابستگی روابط آنها شدید و شدیدتر شد.

در مرحله معینی از تکامل جامعه، وسائل تولید از خود تولید کننده جدا می شود و در اختیار معدودی از افراد جامعه قرار می گیرد، بدین ترتیب مالکیت خصوصی بر وسائل تولید بروز می کند. از این مرحله به بعد اقلیتی از افراد جامعه وسائل تولید را در دست دارند در حالی که اکثریت افراد جامعه یعنی تولید کنندگان مستقیم، فاقد وسائل تولید اند. وسائل تولید از تولید کنندگان واقعی جدا می شود و برای آن که تولید بتواند جامعه عمل ببوشد باید این جدائی را از میان برداشت و این دو را با یک دیگر متحد ساخت. در اینجا است که میان صاحبان وسائل تولید و تولید کنندگان واقعی روابط خاصی برقرار می گردد که همان روابط طبقاتی است.

جامعه سرمایه داری را بگیریم. در این جامعه روابط تولید شبکه بخرنج و پیچیده ای است که میان انسانهایی که در کار تولید شرکت می جویند برقرار می گردد. این روابط در تمام زمینه های تولید، توزیع و مصرف به چشم می خورد، مانند روابط میان شعب مختلف تولید، میان شهر و ده، روابطی که هنگام خرید و فروش یا رقابت برقرار می شود و غیره. در میان انبوه روابط تولیدی، آن روابطی که پایه و اساس تکامل جامعه است، آن روابطی که تعیین کننده تمام روابط دیگر است، خصلت تولید و سیمای جامعه بدان وابسته است همانا روابط انسانها نسبت به وسائل تولید یا به عبارت دیگر شکل مالکیت بر وسائل تولید است.

"اگر نیروهای مولد به این سوال جواب می دهد که انسانها با چه افزاری به تولید نعم مادی ضروری خویش می پردازند، وضع روابط تولید به این سوال دیگر جواب می دهد: وسائل تولید (زمین یا جنگل، آب، معدن، مواد خام، ابزارهای تولید، عمارات تولید، وسائل مخابرات و ارتباطات و غیره) در مالکیت کیست، وسائل تولید در اختیار کیست، در اختیار تمام جامعه یا در اختیار افراد، گروه ها و طبقات جداگانه که از آنها برای استثمار سایر افراد، گروه ها و طبقات استفاده می کنند". (ستالین)

مالکیت بر وسائل تولید به دو شکل می تواند جلوه کند: مالکیت خصوصی، مالکیت اجتماعی، برحسب این که وسائل تولید در اختیار افراد یا گروه های کوچکی است (مالکیت خصوصی) و یا در اختیار تمام جامعه (مالکیت اجتماعی). به عبارت دیگر بر حسب شکل مالکیت دونوع روابط تولید در جامعه صورت می بندد. در حالت اول روابط تولید، روابط تابع و متبوع، فرمانده و فرمانبر است که از آن استثمار انسان از انسان حاصل می آید، در حالت دوم روابط تولید، روابط همکاری و کمک متقابل است و در آن اثری از استثمار نیست.

مالکیت خصوصی بر وسائل تولید موجب می گردد که انسانهایی از داشتن این وسائل محروم بمانند و برای امرار معاش به تابعیت آن افراد یا طبقاتی در آیند که وسائل تولید در اختیار آنها است. چنان که سرمایه داری، سرمایه دار

وسائل تولید را در دست خود متمرکز می سازد و کارگر که فاقد هرگونه وسائل تولید است ناگزیر باید نیروی کار خود را به سرمایه دار بفروشد و از جانب سرمایه دار استثمار شود.

ظاهراً چنین می نماید که رابطه انسانها نسبت به وسائل تولید یا به سخن دیگر مالکیت بر وسائل تولید، رابطه انسانها با اشیاء است. ولی در واقع چنین نیست. رابطه نسبت به وسائل تولید رابطه اجتماعی میان انسانها است. زیرا آن طبقه ای که مالک وسائل تولید است (سرمایه دار، مالک زمین) بر انسانهایی که فاقد این وسائل اند حکومت می کند، آنها را وامی دارد که از نظام اجتماعی معینی تبعیت نمایند، به استثمار تن دردهند.

نیروهای مولد و روابط تولید مجموعه واحدی را می سازند، این مجموعه را شیوه تولید می نامند، شیوه تولید "مظهر وحدت" نیروهای مولد و روابط تولید است.

شیوه تولید در ساختن جامعه و در تکامل آن نقش تعیین کننده دارد، شیوه تولید حاکم در جامعه هرگونه که باشد سیمای جامعه نیز در انطباق با آنست. شیوه تولید است که وجود یا فقدان طبقات اجتماعی متخاصم، خصلت مناسبات متقابل طبقات، خصلت ایدئولوژی مسلط و تأسیسات سیاسی و حقوقی مسلط را تعیین می کند. چنان که شیوه تولید سرمایه داری مستلزم نظام سرمایه داری است، جامعه سرمایه داری را به دو طبقه متخاصم کارگر و سرمایه دار تقسیم می کند، تمام روابط تولیدی جامعه سرمایه داری و همچنین افکار و نظریات سیاسی، حقوقی و هنری و غیره و تأسیسات سیاسی و حقوقی آن از شیوه تولید سرمایه داری ناشی می شوند.

با تغییر شیوه تولید طبیعتاً روابط تولید، افکار و نظریات و تأسیسات سیاسی و حقوقی جامعه نیز دگرگون می گردد، به عبارت دیگر بر اساس شیوه تولید است که باید افکار و تأسیسات جامعه معین را توضیح داد و نه بالعکس، بر اساس شیوه تولید است که می توان توضیح داد چرا به جای جامعه فئودالی جامعه سرمایه داری می نشیند و نه جامعه دیگر و چرا جامعه سرمایه داری ناگزیر به جامعه سوسیالیستی بدل می گردد.